

قلع و قمع الجزایری ها برای استقلال

۳۰ مرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۴:۱۵

جنبش الجزایر در حالی آغاز شد، که فرانسه قول داده بود در صورت همکاری مردم الجزایر با فرانسه در جنگ با نازی‌ها، بعد از پایان جنگ جهانی دوم با استقلال آنان موافقت کنند؛ اما فرانسه هیچ‌گاه به وعده خود عمل نکرد و همین موضوع باعث شکل‌گیری قیام‌های ملی از سوی مردم الجزایر شد.

بسیاری از کشورهای غربی راه توسعه خود را با استعمارگری و چپاول اموال و ثروت کشورهای فقیر آفریقا و آسیا آغاز کردند. بر این اساس بعد از ورود استعمارگران پیر، یعنی انگلیس و اسپانیا به این وادی، بسیاری از کشورهای غربی نیز با طمع برخورداری از ثروت بادآورده استعماراتی را به چنگ آوردند. فرانسه از جمله این کشورهاست که توانست در قرن نوزده و بیستم بعد از انگلیس به دومین کشور استعمارگر بزرگ دنیا تبدیل شود. تونس، مراکش، بورکینا فاسو و الجزایر بخش کوچکی از این مستعمرات هستند. در میان این مستعمرات، تاریخ استعمارگری این کشور بر الجزایر و پایان آن داستانی غم‌انگیز دارد. الجزایر در سال ۱۹۶۲ به استقلال رسید؛ اما استقلال آن با کشتار وحشیانه فرانسه همراه بود. تا جایی که برخی از کشته شدن چندین هزار انسان بیگناه در رویارویی با فرانسویان خبر می‌دهند. با این مقدمه در ادامه به جنایات فرانسه در الجزایر پرداخته شده است.

مروری کوتاه بر استعمار فرانسه بر الجزایر

الجزایر ابتدا تحت استعمار امپراطوری عثمانی بود. البته پیش از عثمانی‌ها، اسپانیا نیز به این کشور چشم داشت و برخی از استعمارگران اسپانیایی به این کشور نفوذ کرده بودند؛ اما عثمانی در قرن چهاردهم با تسلط به این کشور توانست اسپانیایی‌ها را هم بیرون راند. دوره تسلط عثمانی بر الجزایر با کشمکش کمی مواجه بود و حتی مردم الجزایر وجود عثمانی در این کشور را پذیرفته بودند. اصلی‌ترین دلیل پذیرش عثمانی در این منطقه را باید در مواردی چون حضور جدی عثمانی در غرب مدیترانه، وجود اسپانیا به عنوان یک دشمن مسیحی در منطقه و مواجهه عثمانی با آن، جذبه عمومی مشرق اسلامی در نزد مردم الجزایر که نماد آن عثمانی بود، تلاش‌های نیروهای اسلام‌گرا برای توجه به مرکز خلافت و... جستجو کرد.^۱

با این حال با کاهش قدرت سیاسی عثمانی در قرن هجدهم، زمینه را برای استعمار فرانسه در این کشور فراهم کرد. بر این اساس در قرن نوزدهم با اوجگیری پدیده استعمار در شمال آفریقا، از یک سو رقابت میان فرانسه و ایتالیا بر سر تونس و از سوی دیگر رقابت شدیدی بین انگلستان و فرانسه بر سر مصر وجود داشت. در این رقابت مصر سهم انگلستان، تونس و الجزایر، سهم فرانسه و لیبی سهم ایتالیا شد.^۲ البته روند تسلط فرانسه بر الجزایر، چندان آرام و آسان نبود، بلکه این کشور طی چندین جنگ توانست الجزایر را به چنگ خود درآورد. با این حال روند رهایی الجزایر از استعمار نیز آسان و بدون خونریزی نبود و این کشور

با تلفات جنگی فراوان که از سوی فرانسه تحمیل شد، توانست به استقلال برسد.

روند استقلال الجزایر و جنایات فرانسه

روند استقلال کشورهای مستعمره بعد از جنگ جهانی دوم، سرعت زیادی یافت و بسیاری از کشورهای مستعمره توانستند از یوغ استعمار رهایی یابند. البته نحوه استقلال کشورهای مستعمره و دلایل آنان برای استقلال کاملاً متفاوت از هم بود. بر این اساس، «از سال ۱۹۴۵ که دومین جنگ جهانی پایان گرفت تا ۱۹۶۲، نخست به استعمارزدایی از قاره آسیا پرداختند و پس از آن مستعمره‌های آفریقایی به آزادی رسیدند... استعمارزدایی در دو روند ناهمگون پیش رفت و به سرانجام خود رسید. یکی با آرامش و نرمی - از راه گفت و گو - مانند مستعمرات آفریقای سیاه فرانسه و انگلستان، دیگری با جنگ و زدو خورد مانند هندوچین، الجزیره و مستعمره‌های آفریقایی پرتغال».^۳

جنبش الجزایر بنیان دینی داشت و توسط «بن بادیس» در الجزیره پایه‌گذاری کرد. نام جنبش "جنبش العلما" بود. پایه‌گذاران این جنبش‌ها بر این باور بودند که جنبش‌های مردمی کامیاب نخواهند شد مگر اینکه بر پایه‌های استوار دین اسلام بنا شده باشند.^۴ اما بعد از آن جنبش‌های استقلال طلبانه دیگری هم شکل گرفتند. چنانچه در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ / ۸ مه ۱۹۴۵، الجزایری‌ها به رهبری خالد الجزایری، یکی از نوادگان امیرعبدالقادر الجزایری، در منطقه سطیف در اقلیم قسنطینه برضد استعمار فرانسه قیام کردند. در این قیام در حدود ۴۵،۰۰۰ الجزایری کشته شدند. جنبش «دوستانان بیانیه و آزادی» نیز، که فرحات عباس آن را به منظور ایجاد جمهوری مستقل و خودمختار الجزایر تشکیل داده بود، بر اثر سیاست خشن استعمار فرانسه و به دستور آن منحل شد.^۵

جنبش الجزایر در حالی آغاز شد، که فرانسه قول داده بود در صورت همکاری مردم الجزایر با فرانسه در جنگ با نازی‌ها، بعد از پایان جنگ جهانی دوم با استقلال آنان موافقت کنند؛ اما فرانسه هیچ‌گاه به وعده خود عمل نکرد و همین موضوع باعث شکل‌گیری قیام‌های ملی از سوی مردم الجزایر شد. جنبش بزرگتر دیگر در سال ۱۹۵۴ شکل گرفت. با آغاز جنگ مردم الجزایر علیه فرانسه در این سال، در صبح روز اول نوامبر ۱۹۵۴، نزدیک به سی انفجار در مجاورت پایگاه‌های نظامی فرانسه، چندین شهر از جمله الجزیره، باطنه، بویه، بوتاریک و خنشاه را لرزاند.

در این شرایط فرانسه که پی برده بود با عملیات جنگ و گسترده روبه روست، عصر همان روز ۹۰۰ سرباز جنگی را از طریق هوایی به الجزایر اعزام کرد تا یک بار دیگر امور شعبان بومی را سرکوب کند، غافل از اینکه این بار جنگ هشت سال به طول می‌انجامد... با این حال، این جنبش سرآغاز مرحله نوینی در روابط استعماری فرانسه و الجزایر بود و باعث جان باختن صدها هزار نفر از مردم الجزایر و آواره شدن میلیون‌ها نفر از آنان شد. تا اینکه در سال ۱۹۶۰، سازمان ملل تصمیم به مداخله در مسئله الجزایر گرفت و اعلام کرد ملت الجزایر حق دارد برای تعیین سرنوشت خود تصمیم بگیرد، اما دولت فرانسه باز هم حاضر به تسلیم نشد. اما در نهایت فرانسه چاره‌ای جز تسلیم نداشت و بعد از امضای قرارداد مربوط به آتش‌بس، استقلال این کشور هم در سال ۱۹۶۲ رسماً اعلام شد.

سخن نهایی

برخی از تحلیلگران معتقدند که استعمارگران در مناطق استعماری، باعث آبادانی آن کشورها و نیز آشنایی آنان با دنیای مدرنیته بوده‌اند. برخلاف این تصور واقعیت آن است که گرچه برخی از این کشورها به تبع نیازهای استعماری خود مجبور به وارد کردن برخی از مظاهر و لوازم پیشرفته ارتباطی همچون راه‌آهن، تلگراف و... بوده‌اند؛ در مقابل دست به چپاول، غارت و جنایات فجیع انسانی نیز بوده‌اند. الجزایر نمونه‌ای از این کشورهاست که تحت استعمار فرانسه نه تنها بخش انبوهی از ثروت خود را از دست داد؛ بلکه در جریان جنگ‌های استقلال طلبانه متحمل تلفات بالای انسانی نیز شد. فرانسه برای حفظ الجزایر از هیچ جنایت انسانی دریغ نکرد و در نهایت مجبور به پذیرش اعلامیه استقلال این کشور شد.

فهرست منابع

۱. عباس برومند اعلم، "جهاد صوفیان در مغرب اسلامی مقاومت امیر عبدالقادر الجزایری و دیگر شیوخ صوفیه در برابر استعمار فرانسه ۱۸۳۰ - ۱۸۹۰" فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال اول، شماره دوم، (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۲۸.
- همان، ص ۲۹.
- مهران توکلی، استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی، جهان سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۳۷.
- همان، ص ۵۰.
- دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله "جبهه آزادیبخش ملی الجزایر" شماره ۴۴۹۸.
- فریده علوی زینب رضوان طلب تحلیل جامعه شناختی جنگ استقلال الجزایر و بازنمایی آن در آینه ادبیات، مطالعات سیاسی - اجتماعی جهان، دوره ۳، شماره ۲، (پاییز و زمستان ۱۳۹۲) صص ۲۴۳ - ۲۴۴.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/48491/استقلال-الجزایر-بقعه-قلع/48491>